

چهره ماندگار و قزوینی هند

ریحانه خاتون*

ترجمه خان محمد صادق جونپوری♦

سلاطین غزنوی پس از ورود به هند زبان فارسی را ترویج کردند. ابوریحان بیرونی برای استوار کردن پایه‌های این زبان تلاش بسیاری کرد. دوره سلطنت به‌نوبه خود باعث رواج هرچه بیشتر این زبان شد. حسن نظامی نخستین کتاب تاریخ را به زبان فارسی به‌رشته تحریر درآورد. ضیاءالدین برنی تاریخ فیروزشاهی را از خود به‌یادگار گذاشت. امیر حسن سجزی با عنوان سعدی هند شناخته می‌شد. حمایت پادشاهان گورکانی از زبان فارسی و اندیشمندان این زبان باعث شکوفایی و باروری این زبان شد. انگلیسی‌ها از غالب حمایت می‌کردند؛ ولی استاد نذیر احمد در دورانی می‌زیست که ترویج و اشاعه زبان فارسی کاری بس مشکل، بلکه طاقت‌فرسا بود. در آن دوران زنده نگه داشتن زبان فارسی امری دشوار بود؛ ولی استاد نذیر احمد تمام عمر خود را صرف احیای این زبان کرد. پروفیسور اظهر دهلوی در این باره چنین می‌گوید:

«بعد از استقلال هند نام استاد نذیر احمد در زمینه ترویج و گسترش زبان فارسی از همه نمایان‌تر است».

وی نه تنها استاد بزرگی در زمینه ادبیات فارسی بود، بلکه با ارائه مقالات و نوشته‌های خود به زبان اردو و انگلیسی چهره‌ای ماندگار به‌شمار می‌آمد. تحقیقات و آثار وی محدود به یک زمینه خاص نبود، بلکه وی در همه زمینه‌ها اعم از فرهنگ،

* رئیس اسبق بخش فارسی دانشگاه دهلی، دهلی.

♦ دانشجوی فوق لیسانس فارسی دانشگاه دهلی، دهلی.

معماری، موسیقی، طب اسلامی و موضوعات مهم و ناشناخته دیگر تحقیقاتی انجام داده است. تألیفات وی تنوع ویژه‌ای دارند. من در این مقاله تلاش می‌کنم گوشه‌هایی از شخصیت علمی استاد را برای خوانندگان آشکار کنم.

استاد موضوع مورد بحث را با دیانتداری آغاز می‌کرد. وی در زمینه تحقیق و پژوهش آثار ادبی فقط به اصل مضمون و طرز تفکر مؤلف نمی‌پرداخت، بلکه زبان اثر را نیز بررسی می‌کرد. وی در صدد یافتن این نکته بود که آیا طرز نگارش مؤلف با طرز نگارش آن زمان یکی است یا تغییراتی در آن ایجاد شده است. اگر در تحقیق کاستی یا اغلاطی وجود داشت، استاد آن را نیز بیان می‌کرد. این امر دقت نظر و مطالعه وسیع استاد را می‌رساند. وی نظریات دیگران را درست قبول نمی‌کرد، بلکه مواردی به آن اضافه می‌کرد. وی عادت داشت کارهای مشکلی انجام دهد؛ در حالی که دیگران همواره به کارهای آسان روی می‌آوردند.

زبان فارسی حروف نقطه‌دار نیز دارد و به کمک همین نقطه‌ها حروف دیگر به وجود می‌آیند. مثلاً ب، پ، ت، ث و غیره؛ ولی این حروف نقطه‌دار کار تحقیق را مشکل می‌کند. نوشتن نقطه‌ها به صورت سرهم باعث تقدم و تأخر الفاظ می‌شود و نمی‌توان به سادگی صورت اصلی واژه‌ها را تشخیص داد. اگر حروف جدا جدا نوشته شوند، نقطه‌ها مشکل خاصی به وجود نمی‌آورند؛ ولی اگر حروف فقط با دندانه‌ها و نقطه روی آنها نشان داده شوند و در نقطه‌گذاری نیز دقت کافی به کار برده نشود، در تشخیص واژه‌ها مشکل ایجاد می‌شود. استاد نذیر احمد به دلیل آشنایی کامل به زبان عربی و مطالعه وسیع، این مراحل دشوار را به آسانی طی می‌کرد و در تصحیح متن کمتر با مشکلی روبرو می‌شد که نتواند آن را حل کند. وی متن‌های مشکل را نیز به آسانی تصحیح می‌کرد.

مختصرنویسی به معنای عدم کاربرد دندانه‌ها و تشدید، تعیین هجای واژه‌ها را مشکل می‌نماید؛ مثلاً مَنّت و مَنّت مثل هم نوشته می‌شوند ولی در تلفظ و معنی با هم فرق دارند. استاد در این زمینه نیز مهارت ویژه‌ای داشت و با مشکلی مواجه نمی‌شد. اگر در زبان فارسی علامت اضافه نوشته می‌شد، خواندن متن قدری آسان بود ولی

علامت اضافه همیشه در متن حذف می‌شود. به همین دلیل قرائت صحیح متن مشکل می‌شود؛ اما استاد هیچ وقت در این باره با مشکلی مواجه نشد.

اکثراً در دیوان شاعران اشعار الحاقی وجود دارد و ابیاتی اشتباهی به شاعری دیگر منسوب می‌شود یا در زبان مصنف تغییراتی اعمال می‌شود. استاد این اشعار الحاقی را از زبان متن، نوع جوهر، نوع کاغذ، طرز تحریر و غیره تشخیص می‌داد و متن اصلی را ویرایش می‌کرد. وی چندین کتاب مستقل معرفی کرد که با کتب دیگر جلدبندی شده بودند یا اوراق آنها در کتاب‌های دیگر وجود داشت یا اشعار یک شاعر در دیوان شاعران دیگر راه یافته بود. مثلاً معرفی *لسان الشعراء* یا تصحیح *دیوان حافظ* از کارهای مهم استاد است. این نوع بازیافت علمی است که به آن علم تخریج می‌گویند. پروفیسور نذیر احمد از استادان مسلم این علم بود.

پروفیسور سید امیر حسن عابدی که خود از اساتید مسلم زبان و ادبیات فارسی است و از دوستان صمیمی استاد نذیر احمد به‌شمار می‌رود و در سفر و حضر اکثراً این دو با هم بوده‌اند، می‌گوید: اگر در زمینه تحقیق و پژوهش به مشکلی برمی‌خوردم، فوراً با دکتر نذیر احمد تماس می‌گرفتم و وی به آسانی آن را حل می‌کرد.

استاد درباره طرز نگارش و تاریخ خط اطلاعات خوبی داشت که بدون آن تشخیص قدمت یک نسخه ناممکن است. کمتر نسخه‌ای یافت می‌شود که تاریخ کتابت روی آن ثبت شده باشد و خالی از اغلاط باشد. بدون آشنایی کامل با انواع خط و املا در ادوار مختلف تاریخی نمی‌توان درباره نسخه‌های بدون تاریخ کتابت یا نسخ مشکوک نظری داد. استاد در این زمینه مهارت خاصی داشت و به همین دلیل می‌توانست حدس بزند که مثلاً این نسخه متعلق به چه زمانی است. وی ۵۰۰ نفر از شخصیت‌ها و کتاب‌های قدیمی را احیا کرد. چنین شخصیتی به ندرت یافت می‌شود. پس از علامه قزوینی او تنها فردی است که در این زمینه مهارتی کامل داشت.

پروفیسور شریف حسین قاسمی از اساتید مشهور زبان فارسی درباره شخصیت استاد نذیر احمد می‌گوید:

«من خود را شاگرد استاد نذیر احمد می‌دانم و این باعث افتخار من است. استاد کارهای اساتید برجسته ایران و به‌ویژه علامه قزوینی را می‌پسندید و آثار آنها را

به شاگردان خود نشان می‌داد و آنها را تشویق می‌کرد که به همان سبک به تحقیق بپردازند. استاد نکات مهمی به مقالات علامه قزوینی اضافه نموده است. استاد نذیر احمد قزوینی هند بود. حاشیه زدن و اضافه نمودن تعلیقات بر آثار علامه قزوینی که خود از پژوهشگران و اساتید برجسته زبان فارسی است کار هر کسی نیست؛ ولی استاد این امر خطیر را انجام داده است».

پروفسور اظهر دهلوی می‌گوید:

«تحقیقاتی که وی در زمینه نهضت نقطوی اکبر انجام داد، خیلی مهم است. استاد فردی مشکل‌پسند بود و همیشه موضوعات مشکل را برای تحقیق انتخاب می‌کرد و به همین سبب وی این موضوع را زمینه کار خود قرار داد. وی بنیانگذار این گونه امور است. نام وی در تاریخ زبان و ادب فارسی پس از علامه شبلی نعمانی و علامه قزوینی قرار دارد».

استاد در علم عروض و علم قوافی و اوزان و بحور نیز خبره بود. بدون این علم تصحیح متون قدیمی به‌ویژه متون منظوم بسیار دشوار است. وی موزون بودن متن را احساس می‌کرد.

طرز نگارش و زبان دوره‌های مختلف تاریخی با یکدیگر فرق دارد. مطالعه استاد خیلی وسیع بود و وی ویژگی‌های زبان و طرز تحریر هر دوره را به‌خوبی می‌شناخت و این امر در تشخیص زمان تألیف اثر و از سوی دیگر در تعیین تلفظ الفاظ نامأنوس مؤثر است. آشنایی وی با ویژگی‌های کاغذ و جوهر و انواع آنها به‌وی کمک می‌کرد تا اهمیت و قدمت نسخه‌ای را حدس بزند. بیشتر کاتبان نسخه‌های خطی مهم از خطاطان مشهور هستند و شناخت آنها در تشخیص اهمیت نسخه نقش مهمی دارد، به همین سبب استاد از تذکره خطاطان نیز استفاده می‌کرد. گاهی اوقات نسخه‌ای خطی را کاتبی معمولی نوشته است ولی به کاتبی مشهور نسبت داده می‌شود. در این صورت اگر ما با خطاطان مشهور و طرز تحریر آنها آشنا باشیم، به‌آسانی می‌توانیم این موارد را تشخیص دهیم.

استاد برای تحقیق یک متن به جستجوی نسخه‌های معتبر قدیمی می‌پرداخت و آن را با توجه به معیارهای گفته‌شده می‌سنجید. برای مثال نسخه‌هایی که متعلق به خود مؤلف باشند یا از روی نسخه وی یا نسخه شاگردان وی رونویسی شده باشند یا کاتب

خوش خطی آنها را کتابت کرده باشد یا نسخه‌هایی که مهر کتابخانه‌های شاهی روی آن باشد یا نسخه‌هایی که بزرگان مطالعه کرده‌اند و یادداشت‌های آنها روی آن ثبت است، خیلی مهم هستند. گاهی در نسخه‌های جدید ترقیمه نسخه‌های قدیمی ثبت می‌شود یا روی کاغذ قدیمی با قلم جدید مطلبی نوشته می‌شود. گاهی عمداً تاریخ کتابت یا تألیف را اشتباه وارد می‌کنند. گاهی تاریخ تألیف کتاب با تاریخ کتابت اشتباه گرفته می‌شود. استاد نذیر احمد همه این موارد را به دقت بررسی می‌کرد.

استاد، آیات قرآنی، احادیث نبوی، اقوال صوفیان، کلام مشایخ و اشعار شعرا را در متن بررسی می‌کرد. در صورت اختلاف در نسخه‌های مختلف یک کتاب وی عموماً اختلافات معنی‌دار را ثبت و از آوردن اختلافات مهمل پرهیز می‌کرد و به شاگردان خود نیز توصیه می‌کرد که از ذکر این موارد خودداری کنند. وی علاوه بر نسخه‌های خطی یک اثر به جستجوی مآخذ دیگر نیز می‌پرداخت و اگر در کتاب یا تذکره‌ای موردی یافت می‌شد آن را با نسخه اصلی مقابله می‌داد و قدمت آن را حدس می‌زد. وی پس از بررسی تمام نسخه‌های موجود یک اثر یکی از آنها را اساس تحقیق خود قرار می‌داد و اختلاف نسخ را در حاشیه می‌آورد و پس از تصحیح کامل کتاب، مقدمه‌ای به آن اضافه می‌کرد و در آن شرح حال مؤلف و خانواده وی، نسخه‌های موجود این اثر و نسخه‌هایی که از آنها در تصحیح این متن کمک گرفته شده است، قدمت نسخه و محل نگهداری این نسخه‌ها را بیان می‌کرد. وی برای آثاری که نام آنها مدام تکرار می‌شود، علامت اختصاری تعیین می‌کرد.

آقای بزرگ می‌گوید:

«نذیر احمد از مشهورترین استادان و مروّجان زبان و ادب فارسی در هند کنونی به‌شمار می‌رود».

آقای علی‌رضا قزوه در این باره چنین نظر می‌دهد:

«ما باید از شخصیت کم‌نظیر استاد نذیر احمد پیروی نماییم. وی تواضع و فروتنی می‌کند و این بزرگی استاد را می‌رساند. علم و دانش انسان را می‌سازد. شخصیت وی را جلا می‌دهد».

پروفسور عطا کریم برق از شخصیت‌های فعال شهر کلکته که چندی قبل از استاد نذیر احمد فوت کرد، درباره وی چنین می‌گوید:

«آقای نذیر احمد از فضلان و محققانی است که در زمینه زبان و ادبیات فارسی در هند معاصر نظیر ندارد. حتی در عصر حاضر در ایران هم دانشمندانی که به پایه او برسند، کمتر دیده می‌شوند. بنده عطا کریم برق که در علم و فضل مانند کمترین شاگردان وی می‌باشم، شخصاً می‌دانم که استاد نذیر احمد مردی دیندار و پاکباز و از اصحاب خیر و مزین به اوصاف نیکی است و یقیناً آدم نجیب و نازنینی می‌باشد و طبعش مانند آینه چنان نازک و لطیف است که نمی‌تواند کمترین کثافت اخلاقی و بی‌تریتی و غبار نالایقی را قبول کند».

استعداد علمی استاد را می‌توان از داستان زیر حدس زد:

وی در سال ۱۹۵۷ م از دانشگاه لکهنو به‌علی‌گه آمد و به جستجوی نسخ نایاب پرداخت. وی اطلاع یافت که در کتابخانه حبیب‌گنج نسخه‌ای خطی از مکاتیب سنایی وجود دارد. وی به هر صورت ممکن از روی آن نسخه‌ای دیگر آماده کرد. در آن زمان پروفسور عبدالعلیم رئیس دانشکده ادبیات دانشگاه اسلامی علی‌گه بود. پروفسور عبدالعلیم گفت که هر سال برای چاپ کتاب مبلغ پنج هزار روپیه بودجه از طرف شاه ایران به این دانشگاه فرستاده می‌شود ولی از چهار پنج سال پیش تاکنون کتابی چاپ نشده است. اگر شما کتابی آماده چاپ دارید در اختیار ما بگذارید.

استاد نذیر احمد نسخه مکاتیب سنایی را که به‌تازگی تصحیح و آماده کرده بود، در اختیار پروفسور قرار داد. پروفسور علیم جلسه‌ای برگزار کرد. در این جلسه رئیس دانشگاه آقای زیدی و رئیس بخش فارسی دانشگاه آقای هادی حسن شرکت داشتند. آنها نیز این متن را بررسی و پیشنهاد کردند که این نسخه برای نظر ثانی و بررسی نزد کسی فرستاده شود. استاد نذیر احمد گفت این نسخه به‌زبان فارسی است و من می‌دانم که در این زمان در هند بهتر از من کسی فارسی نمی‌داند و من نمی‌توانم این نسخه را برای بررسی در هند به‌دست کسی بسپارم. ولی اگر شما می‌خواهید آن را بررسی کنید، باید آن را به ایران بفرستید تا یکی از محققان مهم آن را تصحیح کند. دانشگاه این متن را به سفارت ایران در دهلی فرستاد و سفارت ایران آن را به ایران ارسال کرد. هشت نه

ماه بعد نامه‌ای از طرف سفارت ایران به نام آقای زیدی دریافت شد. این نامه از طرف دانشمند مشهور آقای علی اصغر حکمت بود. وی در این نامه از این نسخه بسیار تعریف نمود و اشاره کرد که اگر شما آن را چاپ نمی‌کنید، ما حاضر به چاپ آن هستیم. آقای زیدی پس از اطلاع از محتویات نامه بسیار خوشحال شد و در سال ۱۹۶۲ م این کتاب چاپ شد. (این داستان مربوط به سال ۶۰-۱۹۵۹ م است). اهمیت این نسخه را از این موضوع می‌توان دریافت که در سال ۱۹۷۷ م سمیناری با عنوان سنایی در شهر کابل افغانستان برگزار شد و پس از مدتی دانشگاه علیگره این کتاب را بدون هیچ تغییری چاپ کرد. چاپخانه صنوبر ایران این کتاب را برای بار سوم در سال ۱۳۶۲ ش چاپ کرد؛ ولی به غلط در آن گفته شده بود که این کتاب برای نخستین بار در سال ۱۳۶۲ ش چاپ شده است. انتشارات طهوری در تهران نقد محقق ایرانی بر این کتاب را در کتابشناخت ص ۱۱۵-۱۱۴ در سال ۱۳۶۳ ش با عنوان مکاتیب سنایی ابوالمجدد بن آدم سنایی به اهتمام و تصحیح و حواشی نذیر احمد چاپ کرد. قسمت آخر این نقد را ما در اینجا نقل می‌کنیم:

«نکته‌ای که ذکر آن ضروری است، اهتمام عالمانه و مباشرت مدققانه استاد نذیر احمد است که نکته نکته، مو به مو موارد ابهام را باز می‌شکافد و نکات ادبی را یاد می‌کند. اشخاص و کسان را می‌شناساند و در تعلیقات بس عالمانه خود بسیاری از مشابهات و نظایر مضامین به‌کاربرده شده سنایی را در آثار دیگران معرفی می‌کند. مکاتیب سنایی از جهت محتوا و نیز از جهت تصحیح و تحشیه از کارهای برجسته روزگار ما است».

استاد نذیر احمد به‌دانشجویانی که در پی تحقیق و پژوهش و خواستار به‌دست آوردن اسم و رسمی در دنیای علم هستند، توصیه می‌کند که کار خود را با صداقت انجام دهند. روش درست تحقیق همین است و استاد نذیر احمد مطابق همین معیارها کار می‌کرد. پروفیسور عابدی درباره عادات و رفتار استاد نذیر احمد می‌گوید:

«استاد علاوه بر خدمات علمی از نظر اخلاقی نیز شخصی با اخلاق، منکسرالمزاج، سادگی‌پسند و مهمان‌نواز بود. همه ما باید از وی درس بگیریم. در خانه وی همیشه و برای همگان باز بود. وی با خنده‌رویی به استقبال مهمانان می‌رفت. وی

مسائل زندگی انسانی و آموزشی را به‌خوبی درک می‌کرد و سعی می‌کرد تا مشکلات را رفع نماید. تاکنون صدها دانشجو از محضر وی فیض برده‌اند و ما مفتخریم که وی همیشه و به‌هر طریق ممکن برای راهنمایی ما آماده بود.»

شیوه برخورد استاد با دانشجویان با وجود مرتبه بالای علمی و دارا بودن پست و مقام مهم در دانشگاه طوری بود که خاطره و یاد آن همیشه در ذهن دانشجویان زنده خواهد بود. استاد همیشه به‌فکر اطرافیان خود چه دوست و چه دشمن بود. اگر دوستی یا دانشجویی مشکلی داشت یا ناراحت بود، وی نیز ناراحت می‌شد. در این مقاله من به‌طور خلاصه قسمتی از یادداشت‌های وی را نقل می‌کنم:

«شب در خواب دیدم که دکتر حسن عباس دچار مشکلی شده است. وی محقق خوبی است و از دانشگاه تهران مدرک دکترا دریافت نموده است. در مصاحبه دکترای وی بنده نیز حضور داشتم. وی همه سؤال‌ها را به‌خوبی جواب داد. موضوع دکترای وی آزاد بلگرامی: زندگی و شخصیت است. وی صدها مقاله به‌زبان فارسی و اردو نوشته است؛ ولی تا اکنون شغل خوبی به‌دست نیاورده است و من از این بابت خیلی متأسفم.»

بسیار عجیب است که استاد به‌کسب علم و دوستان خود خیلی بیشتر از خانواده خود عشق می‌ورزید. وی هجده ساعت از بیست و چهار ساعت شبانه‌روز را صرف این علاقه خود می‌کرد. در حقیقت ما مثل قطره‌ای هستیم و استاد مانند اقیانوسی عمیق بود. افق فکری استاد بسیار وسیع بود. در ایران، افغانستان، آسیای میانه، آسیای جنوبی و اروپا و آمریکا از وی به‌نیکی یاد می‌کنند و همه بر این امر معترف‌اند که وی بسیاری از گوشه‌های تاریخ علم و فن را با تحقیقات ارزنده خود روشن کرده است.